



Anatolian Islam in the social thought of Fethullah Gulen

Elham sadat Moghadasi¹ | Mahdi Hosseinzadeh Yazdi² 1. MA in Muslim Social Sciences, University of Tehran; Email: moghadasi.e.s@ut.ac.ir2. Associate Professor, Faculty of Social Sciences, University of Tehran; Email: ma.hosseinzadeh@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 30 April 2023

Received in revised form: 29 May 2023

Accepted: 17 June 2023

Published online: 17 June 2023

Keywords:

Secular Islam, Turkish Islam, Modern Sufism, Rahmani Islam, Jihad, Gulen.

ABSTRACT

Fethullah Gülen is one of the Muslim intellectuals and social leaders whose ideas have attracted attention in recent decades. He introduces a new interpretation of Islam, which Western scholars refer to as moderate Islam or social Islam. Gülen interprets Islam through a Turkish lens, in which Islam has a unique connection to Turkish identity. His innovative interpretation of Islam, while emphasizing individual morality and spirituality, places special emphasis on interpretation, tolerance, and dialogue with other religions, and he supports the establishment of a comprehensive pluralist society. By revising and redefining the words and terms of Sufism, he positions service as a faith-inspired concept at the center of his work, resulting in the modern form of Sufism. Modern Sufism is the extension of individual Sufism to the community and the promotion of social participation in the contemporary world. To comprehend Gülen's interpretation of Islam, we must first describe his interpretation of Turkish or Anatolian Islam in terms of his intended concepts. Due to Gülen's new interpretation, we investigate the concept of Jihad in greater depth in the interim. Finally, we discuss the causes of Muslim backwardness from Gülen's perspective and within the context of his understanding of Turkish Islam. Muslim philosophers refer to Gülen's social Islam as Rahmani Islam, a form of secular Islam. By displaying a peaceful and nonviolent face of Islam to the world and tying it to modernity, his Rahmani Islam has five main characteristics: Accepting the theory of religious pluralism and establishing a pluralistic society by supporting Western democracy; adopting a selective and minimal view of Islam; distorting and converting the concepts of political Islam, such as Jihad; emphasizing tolerance; embracing the theory of religious pluralism; and emphasizing tolerance.

Cite this article : Moghadasi, E. S., & Hosseinzadeh Yazdi, M. (2023). Anatolian Islam in the social thought of Fethullah Gulen. *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, 13(1):73-89.

<https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.353992.1587>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.353992.1587>

اسلام آناتولی در اندیشه اجتماعی فتح‌الله گولن^۱ الهام سادات مقدسی^۱ | مهدی حسین زاده یزدی^۲

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه تهران؛ رایانامه: a.moghadasi.e.s@ut.ac.ir

۲. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ رایانامه: ma.hoseinzadeh@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	یکی از روشنفکران مسلمان و رهبران اجتماعی که طی چند دهه اخیر، افکارش مورد توجه قرار گرفته، فتح‌الله گولن است. او نسخه جدیدی از اسلام را معرفی می‌کند که در میان اندیشمندان غربی به اسلام میانه‌رو یا اسلام اجتماعی شهرت دارد. گولن، اسلام را با خوانشی ترکی تفسیر می‌کند که در آن، اسلام با هویت ترکی پیوند ویژه‌ای می‌یابد. این پژوهش با هدف دستیابی به فهم خوانش گولن از اسلام، در پی پاسخ به این پرسش است که آیا گولن قرائت جدیدی از اسلام ارائه می‌دهد. در این راستا، ابتدا تفسیر او از اسلام ترکی یا آناتولی را با مفاهیم مدنظر وی شرح می‌دهیم. در این میان، مفهوم جهاد را به دلیل تفسیر نوینی که گولن از آن می‌کند، با تفصیل بیشتری مطالعه می‌کنیم. در نهایت به علل عقب‌ماندگی مسلمانان از منظر گولن و در چارچوب فهم او از اسلام ترکی می‌پردازیم. با مرور آثار گولن، به این مهم رهنمون می‌شویم: اسلام اجتماعی، گونه‌ای از اسلام سکولار است که میان اندیشمندان مسلمان به اسلام رحمانی شهره است. اسلام رحمانی او با نشان دادن چهره ملایم و به دور از خشونت از اسلام به جهان و پیوند آن با مدرنیته دارای پنج ویژگی عمده است: نگاه‌گزینشی و حداقلی به اسلام، تحریف و قلب مفاهیم اسلام سیاسی مثل جهاد، اخلاق محوری مبتنی بر ارزش‌های جهان‌شمول و سکولار، تأکید بر تساهل و مدارا، پذیرش نظریه پلورالیسم دینی و تأسیس جامعه تکثرگرا با حمایت از دموکراسی غربی.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷	
کلیدواژه‌ها:	
اسلام آناتولی، اسلام رحمانی، اسلام سکولار، تساهل و مدارا، جهاد، صوفیسم نوین، گولن.	

استناد: مقدسی، الهام سادات؛ حسین زاده یزدی، مهدی. (۱۴۰۲). اسلام آناتولی در اندیشه اجتماعی فتح‌الله گولن. فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران

مسلمان، ۱۳(۱): ۷۳-۸۹. <https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.353992.1587>



<https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.353992.1587>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

۱. مقدمه و بیان مسئله

جهان اسلام در قرون اخیر همواره محل نزاع و درگیری و استعمار خارجی و استبداد داخلی بوده که موجب افول قدرت‌های پادشاهی و اسلامی و درنهایت فروپاشی آخرین قدرت بزرگ اسلامی یا همان امپراتوری عثمانی شده است. پس از نابودی آخرین حکومت اسلامی در عثمانی قدیم و با اوج‌گیری مدرن‌خواهی در ممالک اسلامی و میان روشنفکران مسلمان، جنبش‌های بسیاری با شعار بازگشت به تمدن اصیل اسلامی زمان پیامبر، به مدرنیته واکنش نشان دادند یا با شعار اصلاح‌گری به بیان اندیشه‌های اجتماعی-سیاسی اسلامی روی آوردند. برخی دیگر نیز جمع میان دو گفتمان اسلامی و غربی را خواهان شدند. یکی از این جنبش‌ها، جنبش هیزمت یا خدمت فتح‌الله گولن، واعظ و مصلح تأثیرگذار ترک است که با خوانشی سکولار از اسلام در تلاش است تا نسخه‌ای به‌روزشده از اسلام ارائه دهد و مسلمانان را در دینداری در دنیای سکولار و مدرن‌شده امروزی یاری رساند.

اگرچه این پژوهش به دنبال بررسی جنبش هیزمت نیست، شایسته است تلاش‌های گولن در ایجاد پیوند میان مدرنیته و اسلام در سایه نظام لائیسیتته ترکیه مدرن و همچنین نوع فهم و درک وی از اسلام ترکی یا آناتولی که به اسلام صوفیانه و ایمان‌محور تأکید دارد، ملاحظه شود تا بتوان درک کامل‌تری از خوانش سکولار او از اسلام داشت، او می‌خواهد چهره‌ای رحمانی و به دور از خشونت از اسلام نمایش دهد و البته آن را تنها قرائت صحیح و حقیقی از اسلام معرفی می‌کند. حضور مفاهیم صوفیانه در آثار او مورد توجه اذهان قرار می‌گیرد. شارحان غربی او گاهی با معیار قراردادن مدرنیته به‌عنوان جهان‌بینی صحیح و گاهی با رویکردی سیاسی و در چارچوب تقابل اسلام‌گرایی گولن در برابر لائیسیتته افراطی ترکیه، به تأیید، تبلیغ یا ترویج فهم او از اسلام می‌پردازند. در این میان اندیشمندان غربی با نگاهی مثبت‌نگر به قرائت نواندیشانه وی از اسلام، عنوان اسلام میانه‌رو را در تحسین آن برگزیده‌اند. توجه به این مهم ضروری است که مفهوم «میانه» ارزش‌بار^۱ است. به‌علاوه با بررسی آثار این محققان درمی‌یابیم اندیشه اجتماعی گولن و جنبش منبعث از آن به‌عنوان الگوی آینده فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی در جوامع اسلامی معرفی می‌شود. پژوهش حاضر برخلاف رویه شارحان و مبلغان اندیشه او، با ارزیابی و نقد قرائت او از اسلام براساس معیارهای اسلام راستین و با رویکردی اکتشافی-توصیفی، به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا گولن قرائت جدیدی از اسلام ارائه می‌دهد.

نخست با هدف پاسخ به این پرسش، به بررسی و مذاقه در فهم گولن از اسلام بر طبق سنت صوفی و مفاهیمی می‌پردازیم که تحت عنوان اسلام ترکی زیربنای رویکرد او به امور اجتماعی را شکل می‌دهد. در این راستا، مفهوم جهاد به‌دلیل تفسیر نوینی که گولن از آن ارائه می‌دهد و در پیوند و تطبیق با ایدئولوژی لیبرالیستی مدرنیته، به‌طور مبسوط شرح داده می‌شود. درنهایت عواملی که از منظر گولن به عقب‌ماندگی جوامع اسلامی در دوره کنونی منجر شده‌اند، مطابق قرائت نواندیشانه او از اسلام بررسی خواهد شد.

۲. روش تحقیق

در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده می‌شود. پژوهش حاضر به‌لحاظ ماهیتی از نوع اکتشافی-توصیفی و به‌لحاظ غایت مورد نظر، بنیادین نظری است. برای گردآوری داده‌های کیفی، از روش تحلیل محتوا و به‌منظور دستیابی به اطلاعات و طبقه‌بندی کردن آن‌ها از تکنیک فیش‌برداری بهره گرفته شد (جاوید، ۱۳۹۲: ۸۵-۱۱۰).

^۱. value laden

۳. پیشینه پژوهش

با بررسی آثار متنوع شامل کتاب و مقاله در حوزه اندیشه گولن با موارد محدودی در منابع فارسی و موارد قابل توجهی در منابع انگلیسی‌زبان مواجه شدیم. در منابع فارسی محمدرضا ملایی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی تطبیقی عوامل عقب‌ماندگی مسلمین و راه‌های برون‌رفت از آن در آراء فتح‌الله گولن و علی شریعتی»، ضمن بررسی تطبیقی عوامل عقب‌ماندگی مسلمانان، راهکارهای رفع آن از دیدگاه فتح‌الله گولن و شریعتی را مطالعه کرد. طبق بررسی او، هردو عوامل مختلفی از جمله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی را در این عقب‌ماندگی دخیل می‌دانند، ولی عامل اصلی را دورماندن از اسلام واقعی می‌دانند و برای از بین بردن این عقب‌ماندگی بر این باورند که باید دید جدیدی به دین و اسلام داشت. درباره نگاه به غرب، هردو معتقد به نگرشی با استراتژی بهتر و گزینشی به غرب هستند. شریعتی مایل است اسلام را انقلابی و پویا و دارای برنامه برای زندگی بشری و بیداری جوامع معرفی کند و گولن نیز به دنبال معرفی ایمان و اخلاق و پایبندی به حضور در عرصه‌های اجتماعی است.

پژوهش دیگر، ترجمه کتاب هلن رز اییاف، پژوهشگر در زمینه جنبش‌های دینی است با عنوان جنبش گولن: تحلیلی جامعه‌شناسانه از جنبشی مدنی که ریشه در اسلام میانه‌رو دارد. همان‌طور که عنوان کتاب نشان می‌دهد، اییاف با رویکرد جامعه‌شناسانه، مراحل شکل‌گیری، گسترش و تأثیر جنبشی اجتماعی بر پایه شرایط اجتماعی-سیاسی را توصیف می‌کند. او ابتدا تعریفی از اسلام میانه‌رو ارائه می‌دهد و آنگاه به فراگیری و توجه رسانه‌ای به جنبش گولن به‌عنوان نماینده این نوع تفکر از اسلام و شکل تعدیل‌یافته و متفاوت از بنیادگرایی اسلامی می‌پردازد. در این راستا او به شرح مجمل از کلیات دیدگاه اجتماعی او در زمینه‌های آموزش، ارتباط حکومت و دین، نبود خشونت و تروریسم در دین اسلام، مدارا و تساهل و گفت‌وگوهای بین‌الادیانی بسنده می‌کند. هاکان یاووز در کتاب به‌سوی روشنفکری اسلامی، مفاهیم کلیدی شامل دین اسلام، اخلاق، زندگی خوب و اجتماع را از یک طرف و مدرنیته، دموکراسی، پلورالیسم و سیاست‌های هویتی (ملی‌گرایی اسلامی-ترکی) را از طرف دیگر بررسی کرد و به این سؤال پاسخ داد که چگونه گولن و جنبش او بدون کاهش اسلام به ایدئولوژی مقتدرانه دیگری که به دنبال هژمونی است در سیاست مشارکت می‌کنند. به‌علاوه به ساختار و فعالیت‌های جنبش توجه می‌کند و رویکرد گولن در ضرورت آشتی توسعه اقتصادی-اجتماعی موفق و عدالت اجتماعی را ارزیابی می‌کند. او درنهایت، با تأیید گفتمان گولن نتیجه می‌گیرد اسلام و مدرنیته برای بودن، در یک روند «شدن» ادامه خواهند داد.

جوشا هندریک در کتاب گولن، سیاست‌های مبهم اسلام بازاری در ترکیه و جهان، با تمرکز بر سه سؤال تحلیلی پیش می‌رود: چه عواملی تغییر از سیاست‌های «اشکارا سیاسی» مسلمانان ترکیه را به سیاست‌های «منفعلانه» در اواخر قرن بیستم توضیح می‌دهد؟ چه عواملی ظهور جنبش گولن به‌عنوان نمونه مورد نظر را برای محققان و تحلیلگران در آمریکا، اروپا و استرالیا توضیح می‌دهد؟ آیا مورد جنبش گولن، فهم جایگزینی از روابط موجود میان مدرنیته و اسلام در بخش جهانی برای دنیا فراهم می‌کند؟ درواقع، کتاب حاضر جایگاه و موقعیت جنبش گولن را در پازل تاریخی جریان‌های سیاسی-اجتماعی ترکیه جست‌وجو می‌کند.

گورگان چلیک در کتاب ساخت انسجام اجتماعی از طریق دیالوگ و تحصیلات، به بررسی جنبش گولن پرداخت و نتیجه گرفت که این جنبش مدنی-اسلامی به ساخت دنیایی آرام براساس دیالوگ، مدارا، احترام و شفقت کمک می‌کند. او دیالوگ و مدارا را راه‌حلی کاربردی برای مسلمانان در فضای ضد اسلامی جامعه هلند در نظر می‌گیرد که با ادغام ایده‌های اسپینوزا و گولن حول مفاهیم مدارا و تساهل در این موقعیت ممکن می‌شود.

۴. بحث و نظر

۴-۱. چیستی اسلام آناتولی

اسلام در بردارنده حقیقت و متنی واحد است که بسته به فرهنگ هر ناحیه جغرافیایی از آن تعبیر گوناگونی تحت عنوان قرائت اسلام عربی، اسلام ایرانی، اسلام ترکی و... می‌شود. همیشه میان خوانش‌های مختلف رقابت وجود داشته است. در این میان، اسلام ترکی به رهبری فتح‌الله گولن در چند دهه گذشته به صورت عملیاتی و در سطح جهانی معرفی شده است. گولن، تفسیری از اسلام ارائه می‌دهد که با هویت ترکی پیوند ویژه‌ای دارد و با صوفیسم، رویکردهای ایمان‌آبانه و درون‌محور معنا می‌یابد؛ به طوری که اسلام ترکی از حیث معنا، گاهی با اسلام صوفیانه جایگزین می‌شود. علاوه بر آن، مرزهای جغرافیایی آناتولیا مرکز تاریخی رشد و اشاعه صوفیسم و قرائت ترکی از اسلام در طول قرون متمادی بوده است که در دوران خلافت عثمانی‌ها، گستره جغرافیایی‌اش تحولاتی وسیع‌تر می‌یابد. مفاهیم انسان‌آبانه و معنویت‌گرایانه، جوهره این اسلام را شکل می‌دهند و به وجدان و درون انسان‌ها توجه و تأکید ویژه‌ای می‌شود. گولن به عنوان یکی از بزرگان جریان متصوفه معتقد است اسلام ترکی، مفهومی از اسلام است که عشق، تمام عالم را دربرمی‌گیرد. چنین فهمی از اسلام و بار فرهنگی آن موجب شده تا مردمی که در مرزهای عثمانی (مثل بوسنی) می‌زیستند، اسلام را با آغوش باز بپذیرند. ترکیه امروز نیز همان مرزهای فرهنگی سابق در دوره عثمانی را در تصرف خود دارد. به عقیده گولن، ما از آسیای مرکزی آمده‌ایم و به اروپا رفته‌ایم (Sevindi, 2008: 81).

هدف اصلی گولن، تأسیس صوفیسم براساس قرآن و سنت است. تلاش‌های او در ادبیات صوفی نوین، حول محور فعالیت مذهبی قرار دارد (Hunt & Aslandogan, 2007: 183). او به دنبال تجدیدنظر در سنت صوفی پیشین است تا آن را با شرایط جدید انطباق دهد و درعین حال از اتهاماتی که به صوفیسم زده می‌شود، تبرئه کند. در این راستا، او مسیر صوفیسم را به عرصه اجتماعی می‌کشاند و از فعالیت عملی در اجتماع سخن می‌گوید.

صوفیسم به معانی مختلفی تعبیر شده است. در یک تعریف، مسیری است که صوفی دنبال می‌کند تا به حقیقت یعنی خدا برسد. این معنا جنبه نظری یا فلسفی آن را لحاظ کرده است؛ درحالی‌که جنبه فیزیکی یا عملی آن به درویش‌بودن بازمی‌گردد (Gulen, 2009C: 164). توجه به این دو ساحت در فهم گولن بسیار اساسی است. آنچه گولن از صوفیسم دنبال می‌کند، درویش‌بودن یا کنج‌نشینی و عزلت‌گزینی نیست، بلکه او بر جنبه نظری و فلسفی آن با توجه به تغییرات و تحولات زمانه تأکید دارد که به توسعه مفهومی آن منجر می‌شود.

در نهایت گولن، به تعریفی جامع‌تر از صوفیسم دست می‌زند. مفاهیم عشق، خدا، معنویت، ریاضت، عبادت و اخلاق، مفاهیم کلیدی در این تعریف هستند که هم وسیله و هم هدف را تعیین می‌کنند. ابتدا تعریف مدنظر گولن را مرور می‌کنیم و سپس با توجه به آثار او به شرح اجمالی برخی از این مفاهیم می‌پردازیم تا با معنای اسلام ترکی گولن بیشتر آشنا شویم.

گولن صوفیسم را مسیری می‌داند که به وسیله افراد دنبال می‌شود تا خود را از گناهان و ضعف‌های انسانی رها کنند و به کیفیتی فرشته‌گون دست یابند، و مورد رضای پروردگار واقع شوند و زندگی‌ای بر طبق درخواست‌های عشق، خدا و تجربه لذت معنوی نتیجه‌بخشی را که به وجود می‌آید داشته باشند. صوفیسم با زندگی ریاضت‌مدارانه هماهنگ است و اجازه می‌دهد تا از طریق عبادت مداوم، شناخت درونی‌شان را از پروردگار افزایش دهند و توسعه‌ای در بعد اخلاقی داشته باشند (همان: ۱۶۵). او ابتدا به شرح مفاهیم و اصطلاحات صوفیسم می‌پردازد و آنگاه به ارتباط صوفیسم و دنیای امروز و به عبارتی کارکرد اجتماعی صوفیسم و نحوه زندگی ریاضت‌مندان با اقتضائات مدرن و خواش‌های زمانه را برای مؤمنان شرح می‌دهد.

گولن مواردی را برای رسیدن به کمال انسانی و درنهایت خداوند نام می‌برد: عجز و درماندگی، فقر، شفقت، تأمل، شوق و شکرگزاری (Gulen, 2004: 276). او به پیروی از محققان اولیه به تعریف و شرح مفاهیم در اصطلاحات صوفیسم می‌پردازد و در این راه، نوشته‌هایش از استادش نورسی کاملاً متمایز می‌شود (Hunt & Aslandogan, 2007: 186).

گولن می‌خواهد جریان متصوفه را به اجتماع وصل کند و از طرفی تفسیری نو از صوفیسم ارائه دهد که با اقتضات مدرن دنیای امروز هماهنگی داشته باشد. او در این مسیر، به ترجمه و تفسیر اصلاحات صوفی با رویکردی بازنگرانه دست می‌زند و می‌خواهد پلی میان اسلام سنتی صوفی با مدرنیته برقرار کند. البته این بدان معنا نیست که گولن نسخه‌ای جدید با عنوان صوفیسم اجتماعی می‌سازد، بلکه با تأکید بر همان ماهیت فردگرایانه صوفیسم، جایگاهی برای اخلاق و معنویت اسلامی در جامعه می‌یابد که دیگر از انزوای طلبی در درویش‌خانه‌های قدیم خبری نیست. به عبارتی می‌توان گفت او به دنبال آن است که آن درویش منزوی را به جامعه بازگرداند. در ادامه مفاهیم اساسی در اندیشه او را به‌اجمال بررسی می‌کنیم.

۴-۱-۱. عشق

عشق، مفهومی مرکزی در صوفیسم مدنظر گولن است. او در کتاب *به‌سوی تمدن جهانی از عشق و مدارا* بیان می‌کند که چگونه می‌توان جهانی از عشق در دنیای مدرن ساخت، به شکلی که انسانیت مرکز آن را شکل دهد و تفاوت‌های قومیتی و دینی و فرهنگی در حاشیه آن، بلکه فراتر از آن، به‌عنوان امری یاری‌رسان در ساخت جامعه جهانی بشری قرار گیرد. به بیان گولن، عشق علت اصلی آفرینش جهان رمزآلود است (Gulen, 2011: 155). مارتی نقلی از دنیای ایدئال گولن می‌آورد که انسان‌ها در آن، فارغ از تفاوت‌هایشان محترم و قابل‌عشق‌ورزیدن هستند. در چنین دنیایی، انسانیت در مرکز قرار دارد. گولن در این زمینه اظهار می‌دارد: عشق و احترام به انسان‌ها اگر فقط به‌خاطر انسان‌بودنشان باشد، درواقع، بیان عشق و احترام به پروردگار است و اگر کسی به انسان‌ها از جهت اشتراک عقیده عشق بورزد، عشق و احترام واقعی نیست (Marty, 2015: 67). در نگاه گولن، قوی‌ترین ارتباط که بین خانواده، جامعه و ملت وجود دارد همان عشق است. درواقع، عشق در وجود است و از وجود به انسانیت منتقل می‌شود (Gulen, 2009c: 8). او بر این باور است که عشق، نخ تسبیحی می‌شود که خانواده و جامعه و ملت را به هم اتصال می‌دهد. علاوه بر آن، نقش تعادل‌بخشی را در جامعه جهانی بشری ایفا می‌کند و به توازن اجتماعی در سطح جهانی منجر می‌شود. در حقیقت، ایده عشق در چارچوب اصول جهانی اسلام، تعادل را برقرار می‌کند (همان: ۹). از نظر او، خالص‌ترین منبع عشق، عشق به خداست و هر رابطه انسانی در تطابق با ارتباطمان با خدا شکل می‌گیرد (همان: ۱۱). طبق دیدگاه گولن، تنها عشق واقعی پاسخی برای گریه‌های دنیای مدرن خواهد بود و بدون عشق، علم و فرهنگ مدرن نمی‌تواند جوانان را از تمایلات نفسانی آزاد و رها کند (همان: ۲۲)؛ بنابراین عشق، نقشی اساسی را در اندیشه گولن بازی می‌کند. برای فهم گولن، توجه به این مهم اساسی است که او واژه‌ها را از معانی سنتی خود تخلیه می‌کند. آنگاه معنای جدیدی برای آن درمی‌اندازد.

پیشینه تاریخی اسلام ترکی نیز نشان می‌دهد ترک‌تباران مسلمان برخلاف سنت شیعی همواره از امور سیاسی زمانه خویش فاصله می‌گرفته‌اند. طبق فلسفه اسلام ترکی، تمامی مخلوقات مظهر مادی خداوند هستند و به همین دلیل جایی برای دشمن‌انگاری یا تصور وجود «دیگری» در نقطه مقابل «ما» وجود ندارد (ارس و همکاران، ۱۳۸۱: ۶۰)؛ بنابراین مطابق اندیشه صوفیسم، میان عشق و تساهل و مدارا پیوندی برقرار است. گولن نیز متأثر از این رویکرد، به مفهوم‌پردازی حول واژه عشق می‌پردازد و علت اصلی بحران در دنیای مدرن را بی‌توجهی به آن برمی‌شمرد.

۴-۱-۲. عزلت

گولن برای بازگرداندن درویش به جامعه، برخی از اصول صوفیسم کلاسیک مثل انزوا یا عزلت و خلوت را که با یکدیگر موجب ایزوله کردن افراد از جامعه می‌شوند، به شیوه‌ای شخصی و متفاوت با قدمای صوفی تفسیر می‌کند و به جای آن بر فعالیت‌های اجتماعی و خدمت به خدا و مردم در یک صورت نظام‌مند اجتماعی تأکید می‌کند (Ergene, 2008: 160). به عبارتی، او با ریاضت‌مندی مخالف نیست و عزلت و خلوت را به دیده طرد نمی‌نگرد، بلکه ایمان را موضوعی درونی و فردی می‌انگارد که منافعش باید به اجتماع برسد. در غیر این صورت افراط در انزوا و خلوت را موجب آسیب‌رسانی هم به فرد و هم به اجتماع می‌داند.

۴-۱-۳. طریقه

گولن از طریقه نیز برداشتی نو دارد و آن را هرگونه مسیری در راستای خدمت به اجتماع و انسانیت و درنهایت تکامل انسان تعبیر می‌کند. براین اساس، اگرچه گولن یک صوفی مدرن است، جنبش او یک طریقه صوفی نیست. این مفاهیم صوفی می‌تواند مسلمانان را در زندگی اجتماعی هدایت کند (همان: ۱۶۲). درواقع طریقه‌های اجتماعی برای گولن، معنادارتر هستند و بیشتر به انسان برای رسیدن به خدا و کسب رضایت او یاری می‌رسانند. او این روش را با توجه به شرایط دوره جدید به طریقه‌های سنتی ترجیح می‌دهد. او به ارزیابی دوباره اصطلاحات صوفی با پیروی از سنت محققان دوره تصوف می‌پردازد و به دنبال ارائه رویکردی عملی از این دوباره و ارزیابی برای مسلمانان امروز در دنیای مدرن است (Hunt & Aslandogan, 2007: 187). گولن، پیشینیان و بزرگان صوفی را میراث‌دار سنت حقیقی اسلام از زمان پیامبر تاکنون می‌داند، اما در نگرش او، آنچه جامعه امروز به آن بیشتر نیاز دارد، تفسیری از مفاهیم صوفیانه با رویکردی عملی است تا به زیست مسلمان امروز در قالب جامعه مدرن کمک کند. در عرض این نگرش، گولن عبادت را نیز هدفمند و در راستای خدمت به بشریت برای اتصال به پروردگار می‌نگرد: عبادت موجب شناخت پروردگار و خدمت به انسانیت می‌شود (Gulen, 2005a: 12). از این منظر، عبادتی که از بندگی حقیقی در برابر رب برخیزد، به خدمتگزاری به جامعه بشری منجر می‌شود.

۴-۱-۴. اخلاق

اخلاق نیز در اندیشه گولن ریشه در معنویت دارد و می‌تواند رفتار فرد را کنترل کند. به عبارت دیگر، معنویت در حکم پایه و مبنایی محکم برای اخلاق در مقام اجرا و عمل است و اوج و درجه بالای معنویت در ترجیح نفع دیگران به خود است (همان: ۲۴). او می‌گوید: در گذشته اخلاق فضیلت محسوب می‌شد؛ درحالی‌که امروز مجموعه‌ای از قواعد برای رفتار اجتماعی است (همان: ۲۵). بالاین حال، گولن همچنان نگاهی فضیلت‌مآبانه به ارزش‌های اخلاقی دارد و از افراد اخلاق‌مدار با عنوان افراد فاضل یاد می‌کند. توجه به این مهم ضروری است که گولن نگاه گذشتگان به اخلاق را نیز طرد نمی‌کند. آنچه برای او اهمیت می‌یابد، کارکرد اجتماعی این مقوله‌ها است. از این رو است که با تفسیر جدیدی از این مفاهیم مواجه می‌شویم.

۴-۱-۵. وجدان

مفهوم دیگری که گولن به شرح و تفسیر معنای آن می‌پردازد، وجدان است. در تعریف او، وجدان یا آگاهی به معنای ذات یا جوهره وجود انسانی و درک شخص از خودش است. مکانیسم معنوی آن شامل اراده انتخاب میان خوب و بد، فؤاد یا روشنی معنوی که ضروری‌ترین بعد درونی قلب است، قدرت ادراک درونی و شعور یا حس آگاهی می‌شود (Gulen, 2009a: 188). به باور گولن، حقوق

انسانی لحاظ شده برای انسان‌ها در دنیای امروز نیاز به بازنگری براساس ارزش‌های انسانی و اصول عدالت، وجدان و آگاهی دارد (Gulen, 2009c: 19). او معتقد است فردگرایی در دوره مدرنیته، ارتباط خود را با وجدان جمعی قطع کرده و به همین دلیل نمی‌تواند در رفع مشکلات انسانی اجتماع کمکی کند. وجدان جمعی با حساسیت به جامعه و نوع بشری، تعهد و ثبات را برای آن به ارمغان می‌آورد. او خود در این زمینه می‌گوید: برنامه‌های فردی که برای کمک به اجتماع طراحی می‌شوند موفق نخواهند بود؛ زیرا با آگاهی همراه نیستند (همان: ۲۱). آنچه برای گولن اهمیت دارد، توجه به وجدان جمعی است که به تعهد و انسان‌دوستی منجر می‌شود. البته او معتقد است وجدان جمعی از رهگذر وجدان فردی و پاکی درون می‌گذرد. به همین سبب صوفیسم اجتماعی‌اش به معنای خدمت به خلق از رهگذر صوفیسم و تقوای فردی عبور می‌کند. درنهایت، چنین نتیجه می‌گیرد که پیشرفت یا افول یک ملت به روح و وجدان جوانان آن‌ها و تحصیل و تربیتی که داشته‌اند، وابسته است (Gulen, 2005a: 44).

۴-۱-۶. هویت ترکی در پیوند با تصوف

هدف اصلی که گولن را به تأسیس دوباره صوفیسم یا بازبینی آن براساس قرآن و سنت سوق داد، به فاصله میان صوفیسم و سلفی‌ها که به‌مرور در حال افزایش است، برمی‌گردد (Hunt & Aslandogan, 2007: 183). طبق ادعای گولن، صوفیسم طریقه پیامبر و اصحاب بوده و ما نیز باید به این روش عمل کنیم. گولن می‌خواهد حقانیت ادعایش را با ارجاع به قرآن اثبات کند و بنابراین در بسیاری از مباحثش به آیات و روایات ارجاع می‌دهد. در طبقه‌بندی‌ای که هانت و اصلان‌دوغان ارائه می‌دهند، رویکرد صوفی گولن چند ویژگی دارد: اول آنکه بر پایه قرآن و سنت است. دوم آنکه سبکی غیرسرسختانه و مداراآمیز دارد و سوم به فعالیت مذهبی در سطح فردی و اجتماع تأکید می‌ورزد. او با این رویکرد به تبلیغ، اشاعه صوفیسم و ازسرگیری و تقویت ارتباط و گفت‌وگو بین مسلمانان و غیر مسلمانان و حتی گروه‌های دیگر اسلامی یاری می‌رساند (همان: ۱۹۳).

از نظر گولن، جهان‌شمولی‌ای که مسلمانان می‌پذیرند، باید در جهت تأیید هویت اسلامی و تاریخی آن‌ها باشد و بنابراین متفاوت با فهم غربی‌ها از جهان‌شمولی است. مسلمانان هر ارزشی را که در تطابق با ارزش‌های فرهنگی و دینی‌شان نباشد نمی‌پذیرند. ارزش‌های جهان ترک می‌توانند صلح را به‌واسطه تساهل متقابل و عشق به انسانیت به جهان هدیه دهند (Sevindi, 2008: 83)؛ بنابراین گولن از مسلمانان ترک می‌خواهد در تبادل جهانی ارزش‌های ترکی‌شان را نیز به جهان تقدیم کنند.

به‌زعم گولن، اگر جهان ترک با هم همراه شوند، قلب‌های اروپایی کمی نرم خواهد شد. باید توجه داشت که این نگاه هم به نفع ماست و هم آن‌ها. اما در حال حاضر، موقعیت فعلی ما ضعیف و در حد فرستادن کارگر به آنجا است (همان: ۸۶). او وسعت جغرافیایی جهان اسلام را به جهان ترک‌های مسلمان و اسلام را به اسلام آناتولی تقلیل می‌دهد و درنهایت به‌جای وحدت جهان اسلام در برابر دنیای غرب از وحدت جهان ترک مسلمان سخن می‌گوید.

گولن با قراردادن اسلام ترکی در مقابل اسلام ایرانی می‌گوید: فهم ترکی از اسلام برمبنای عشق استوار است؛ درحالی‌که فهم ایرانی از اسلام برمبنای نفرت از عمر و نه عشق به علی قرار دارد. به عقیده او، در ترکیه اعتقاد علویان در مغایرت با شیعیان ایرانی متمرکز بر عشق به علی و انسانیت است و خدا را در زیبایی چهره اشخاص می‌یابد (همان: ۱۱۸). آنچه پاشنه آشیل اندیشه گولن شده، فهم تقلیل‌گرایانه او از اسلام و حس ملی‌گرایی افراطی‌اش است که درواقع به‌نوعی قوم‌مداری نزدیک می‌شود. این اندیشه می‌تواند موجبات تفرقه میان مسلمانان جهان ترک، ایرانی و عرب را فراهم کند.

به‌لحاظ ماهیتی، اندیشه اجتماعی گولن از سنتز عقاید پروتستانی و عقاید تصوف به‌وجود می‌آید (اختیاری و هاشمی، ۱۳۹۷: ۱۶۸). گولن از سبک زندگی و ایمان صوفیانه در سطح فردی حمایت می‌کند و آنگاه که نوبت به حضور در اجتماع می‌رسد، از اصلاح‌گری

برای خدمت به بشریت دم می‌زند و در این مسیر از وسایلی مانند اقتصاد لیبرال و آموزش باکیفیت بهره می‌گیرد که شرح آن در این مقاله نمی‌گنجد.

او با نگرشی مداراآمیز، از رویکردی برای مشارکت مسلمانان در عرصه عمومی دفاع می‌کند که با ارزش‌های دموکراسی‌خواهانه هماهنگی دارد و از ناکامی آن‌ها در بیان اعتقاداتشان جلوگیری می‌کند. در منطق گولن، راه موفقیت مسلمانان در دنیای امروز در مخالفت با دیگران یا ایزوله کردن خود نیست، بلکه در ارائه دستاوردهای خود و دریافت بهترین‌ها از دیگران است (Hunt & Aslandogan, 2007: 132). درواقع صوفیسم نوین او ضمن حمایت از جامعه پلورالیستی، حضور اسلام در عرصه اجتماع را فقط در هماهنگی با ارزش‌های دموکراسی‌دوستانه تأیید می‌کند و می‌پذیرد.

استفاده از روش صوفی‌گرایانه در اسلام اجتماعی گولن می‌تواند به‌خاطر شرایط خاص ترکیه و اسلام‌گرایی مردم و سرکوب آن‌ها توسط کمالیست‌ها، به دلایل سیاسی انجام گرفته باشد (حافظ و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۵). بااین‌حال دلایل سیاسی توجیهی کافی و نه لازم محسوب می‌شوند و دلیل لازم همان اعتقاد اولیه فتح‌الله گولن به صوفیسم و رشد فکری و دینی وی در این مکتب است. او در راستای پیوند اسلام ترکی با مدرنیته، از اروپایی‌سازی ترکیه و پیوستن به اتحادیه اروپا حمایت می‌کند، اما برای آن قید اسلامی می‌گذارد و آن را مشروط به حفظ هویت اسلامی-ترکی می‌داند. به بیان او، اروپایی‌سازی به این معنی که یک هویت اسلامی-اروپایی داشته باشیم می‌تواند صحیح باشد و مورد ملاحظه قرار گیرد، اما اگر مانند گذشته به تقلید از اروپا ختم شود، جز طرد و حقارت معنای دیگری نخواهد داشت (Sevindi, 2008: 85). در صورت اول، با یک هویت جدید اسلامی-ترکی-مدرن مواجه خواهیم شد که از طرف گولن به مسلمانان جوامع ترک پیشنهاد می‌شود و خواهان آن است تا این نسخه را به سایر نقاط جهان اسلام اعم از جهان عرب مسلمان و موقعیت جغرافیایی، زیر نفوذ اسلام ایرانی صادر کند.

۴-۲. تفسیر اسلام آناتولی از جهاد

گولن به مفهوم جهاد وسعت معنا می‌بخشد و از محدود کردن آن به جنگ امتناع می‌ورزد؛ زیرا کلمه عربی جنگ قتال است. از نظر او، جهاد به هر نوع تلاش در مسیر الهی اشاره دارد و مجاهد کسی است که از همه منابع فیزیکی، معنوی و فکری‌اش برای خدمت در این مسیر استفاده کند؛ تا جایی که حاضر است در این مسیر جان‌فشانی کند و در مقابل قدرت‌های زورگو ایستادگی کند. جهاد در راه خدا نزاع برای غلبه کلام خدا و خشنودی او و تأسیس برتری دین اوست (Gulen, 2006a: 202). تعریف گولن از مفهوم جهاد، تعریفی کلی و لغوی است که در ادامه، وجوه آن را شرح و بسط می‌دهد.

از نظر او، جهاد دارای دو وجه است: نزاع با امیال نفسانی و غلبه بر آن‌ها (جهاد اکبر) و تشویق دیگران برای رسیدن به هدف یکسان (جهاد اصغر). هر دو هدف مشترکی دارند و مقصود از هر دو گونه جهاد، پاکی و رسیدن به انسانیت است؛ هدفی که پیامبران نیز به این منظور فرستاده شدند (Gulen, 2006b: 223). او در وصفی دقیق‌تر، جهاد اصغر را چنین تعریف می‌کند: «جهاد اصغر عبارت است از جهاد انسان با جان و مال خویش در راه خدا به منظور دفاع و محافظت از مقدسات خود و اگر هم احوال اقتضا کرد، جنگ رودررو با دشمنان» (گولن، ۱۳۹۱: ۲۳). بر این مبنای هرگونه تلاشی در اجتماع برای توسعه و پیشرفت جامعه نیز در این زمره قرار می‌گیرد.

مطابق رویکرد او، محدود کردن معنای جهاد اصغر به جنگ در راه خدا محدودیت مفهومی است و درکی غلط از معانی و مفاهیم است. باید در نظر گرفت که حتی یک صحبت در راه خدا نیز می‌تواند جهاد اصغر محسوب شود و جنگ در راه خدا فقط زیرمجموعه‌ای از جهاد اصغر است و هر عملی به نفع انسانیت، درواقع به درک درست و توسعه مفهومی آن منجر می‌شود. تنها کسانی که در جهاد

اکبر موفق هستند، می‌توانند در جهاد اصغر موفق باشند (Gulen, 2006b: 226). در صورت جدایی این دو جهاد از یکدیگر، جهاد واقعی از میان می‌رود و از یکی وحشت و از دیگری هرج و مرج به‌عنوان آسیب‌های اجتماعی به‌وجود می‌آید (Gulen, 2009c: 174). به باور گولن، جهاد را هم مسلمانان و هم غرب بد فهمیده‌اند. این کلمه از «جهاد» مشتق شده و به معنای تلاش و استفاده از تمام قوا برای حرکت به‌سمت هدف است. جهاد دو وجه درونی و بیرونی دارد. آنجا که برای رسیدن به جوهره وجودی تلاش می‌شود جهاد درونی است که از آن به‌عنوان جهاد اکبر نام برده می‌شود و آنجا که افراد دیگر را برای رسیدن به جوهره‌شان قادر می‌سازیم، جهاد بیرونی یا جهاد اصغر صورت گرفته است (Gulen, 2009 b: 69).

گولن مفهوم جهاد اسلامی را طوری قلب می‌کند که از معنای اولیه آن در قرآن و سنت فاصله‌ای چشمگیر می‌یابد. او معنای مصطلح قرآنی جهاد را از قتال با کفار محارب (بقره: ۱۹۰-۱۹۳)، به هرگونه تلاش برای رساندن خلق به خدا تغییر می‌دهد که بنا بر آن، جنگ با مشرکان و کفار محارب برای دفاع از خویشتن و جان و مال و ناموس فقط یکی از مصادیق مفهوم بازتعریف‌شده گولن می‌شود. گولن با تعبیری مدرن از جهاد استدلال می‌کند که زندگی کردن در دنیای ما که شبیه به دهکده جهانی شده، با وجود وسعت وسایل ارتباطی و حمل‌ونقل و همچنین توازن قدرت‌های جهانی موجب شده تا شکل جهاد و نه معنا و مضمون آن تغییر یابد (گولن، ۱۳۹۱: ۲۱). او درحالی‌که معنا و مضمون جهاد را تفسیری نو کرده و موجب قلب ماهیت آن شده، همچنان ادعای آن دارد که تنها شکل آن بنا به اقتضای زمانه عوض شده و معنای جهاد همان است که او برداشت می‌کند؛ بنابراین تفسیر اندیشمندان دیگر، ناقص است.

بدیع‌الزمان نورسی نیز بر این اعتقاد بود که فقط با متقاعدسازی می‌توان بر افراد تحصیل کرده و بافرهنگ پیروز شد و فشار و اجبار حاصلی ندارد. گولن نیز با تأیید نظر او، بعد دیگری به اصطلاح جهاد می‌افزاید و می‌گوید: اگر فرض را بر این بگیریم که جریان فلسفه پوزیتیویستی و مکتب عقل‌گرایی، مسلط بر جهان غرب و حتی جهان اسلام است، باید شکل جهاد را تغییر داد و دیگر نمی‌توان در قالب قبلی جهاد که همانا جنگیدن است، اسلام را به مردم رساند. از نظر گولن، جهاد حتی به شکل مادی آن نیز فقط بر مردها واجب نیست و برای هر مسلمانی اعم از زن و مرد که شرایط تکلیف را داشته باشند بار مسئولیت ایجاد می‌کند (همان: ۲۲).

به‌نظر می‌آید گولن به‌نوعی خلط موضوع می‌کند و آنچه از مفهوم جهاد در نظر دارد، به مفهوم امر به معروف به‌عنوان واجب اسلامی بر هر مسلمان اعم از زن یا مرد نزدیک‌تر است تا به مفهومی که ماهیت دفاعی از جهاد را دربردارد. طبق منابع اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر گاهی می‌تواند در قالب جهاد و جنگ با دشمنان خدا صورت گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۸۹-۹۲). اما جهاد در اندیشه گولن به کشورگشایی برای تبلیغ و اشاعه اسلام معنا شده که نه‌تنها برداشتی ناروا از مفهوم اسلامی جهاد است، بلکه جهاد مادی مورد نظر اسلام راستین نیز تزامنی با توسعه علم حقیقی و مردود شمردن علم پوزیتیویستی از طریق پیشرفت علمی در جهان اسلام ندارد. آنجا که گولن از جهاد با عنوان جنگ با دشمنان سخن می‌گوید، به ماهیت واقعی آن در منابع قرآنی و اسلامی ارجاع می‌دهد: اصل در اسلام صلح است و نه جنگ و عواملی که موجب جنگ هستند، درواقع دفاع و جلوگیری از ظلم و آزادی ارشاد و تبلیغ است. از زمان پیامبر تاکنون نیز در هر عصری اشخاصی بوده‌اند که به بهترین شکل ممکن، آن را در زمانه‌شان عملی کرده‌اند. منتها در دنیای امروز کسانی با ملاحظه جنگ به‌عنوان امر اولیه، دست به ترور و جنایت به نام اسلام می‌زنند (گولن، ۱۳۹۱: ۲۶).

«اگر در جایی نام خدا فراموش شده و اوامر و نواهی او کنار گذاشته شده‌اند، در چنین مکانی جهاد بر هر انسان مؤمنی فرضی عینی و بلکه مهم‌ترین و واجب‌ترین فریضه‌ها است؛ به‌ویژه اگر آن جامعه با مؤسسات و سازمان‌هایش اسیر آن مفهوم باشد؛ و جهاد فرض کفایی نمی‌شود مگر آنکه مؤسسات و سازمان‌ها -در جبهه ایمان- وظایف خود را آن به هم شکلی منظم و هماهنگ انجام دهند» (همان: ۲۷). او با یکی گرفتن مفهوم جهاد و امر به معروف ساختاری انتظام‌یافته، مدرن و نهادی به آن می‌دهد. طبق این دیدگاه،

جهاد فقط افراد را درگیر نمی‌کند و هر سازمان و مؤسسه‌ای در جامعه اسلامی مکلف به جهاد می‌شود. جهاد نهادمند یا ساختاریافته بعد نوین دیگری است که گولن به آن می‌افزاید.

گولن علاوه بر تعابیر متعدد برای جهاد، اشکال مختلفی نیز برای آن قائل است. طبق نظر او، جهاد از منظر سیر تاریخی، ابتدا به شکل هجرت بود و رویدادهای زمان پیامبر، شرایطی را برای مسلمانان مکه فراهم آورد که صبر و تحمل عده‌ای را تمام کرد و به همین سبب به آنان امر شد تا هجرت کنند؛ بنابراین در اینجا هجرت عین جهاد است و هرکس بخواهد بیعت کند، اولین شرط آن هجرت است. در دوره مدنی و پس از دو بار هجرت حبشه و استقرار در مدینه، جهاد شکل دیگری به خود می‌گیرد که به اقتضای شرایط نوین است و تغییری در ماهیت آن پدید نمی‌آید (همان: ۳۲). او بعد از برشمردن ابعاد و اشکال جهاد، شرایط دیگری را نیز برای آن لحاظ می‌کند که به همان معنای امر به معروف و نهی از منکر نزدیک‌تر می‌شود: جهاد گاه نیاز به سرعت دارد و گاه به آهستگی و آرامش نیاز دارد و حتی تحت شرایطی نیازمند توقف است. این‌ها از جوانب راهبردی جهاد شمرده می‌شود که مطابق با وضعیت‌های متفاوت قابلیت مانور دادن پیدا می‌کند (همان: ۳۳).

از دیدگاه گولن، از آنجا که جهاد اکبر یا همان مبارزه با نفس هیچ‌گاه به پایان نمی‌رسد، نمی‌توان جهاد اصغر را به اتمام جهاد اکبر موقوف کرد، بلکه باید پیوستگی آن‌ها را همیشه در نظر داشت. به بیان او، برخی معتقدند مشغول شدن به دیگران پیش از جهاد با نفس صحیح نیست و در نتیجه به دنبال کسب درجات معنوی می‌روند و آن را از هر چیزی بالاتر می‌دانند. اینان در خطای واضحی هستند که اسلام را با روحانیت و رهبانیت صوفیانه^۱ اشتباه گرفته‌اند (همان: ۵۳). او در اینجا جهاد اصغر را به معنای خدمت به خلق و ارشاد آنان به کار می‌گیرد و جدایی صوفیان را از اجتماع امری غیراسلامی برمی‌شمرد.

گولن در مورد جنگ‌های مسلمانان گذشته و ترک‌های عثمانی نیز چنین اظهار می‌دارد: گذشتگان ما نیز در جنگ‌هایشان با دشمنان، همواره در مسیر جهاد و برداشتن موانع و اعلائی کلمه‌الله بوده‌اند و حاشا که مقصودی جز تبلیغ داشته‌اند. آنان می‌خواستند تا کلمه لا اله الا الله را به تمام نقاط تاریک زمین برسانند و آن را منور به نور ایمان به خدای یکتا کنند و هیچ‌گاه هدفشان چیرگی و تسلط بر سرزمین‌های دیگران نبوده است. سلطان محمد فاتح نیز فریاد لا اله الا الله را از مناره‌های دولت عثمانی سر داد و عده زیادی از جنگل‌های بلگراد تا دامنه‌های هیمالیا به آن پاسخ آری گفتند (همان: ۵۷). ناسیونالیسم ترکی گولن سبب می‌شود تا به توجیه جنگ‌های عثمانی با هدف تبلیغ اسلام بپردازد. درحالی‌که مسیحیان و غیرمسیحیان با حمله و اعتراض، سیره پیامبر را اسلام اجباری و با سرنیزه شمشیر می‌دانند آیات قرآن درباره جهاد و احادیث نبوی خلاف آن را ثابت می‌کند (مطهری، ۱۳۸۸: ۲۳۱).

او علت فروپاشی عثمانی‌ها را نیز ترک جهاد اکبر و اصغر به‌طور پیوسته می‌داند. از منظر گولن، جهاد موجب حیات امت است (گولن، ۱۳۹۱: ۶۶). گولن به نقل از بخاری، داستانی از زمان پیامبر نقل می‌کند: پس از فتح مکه مردی نزد پیامبر آمد و گفت می‌خواهم هجرت کنم. پیامبر فرمودند: «پس از فتح هیچ هجرتی وجود ندارد، اما جهاد و نیت کردن هست.» او این روایت را چنین تفسیر می‌کند که هجرت به بعدی از ابعاد جهاد رسیده و صرفاً به این خاطر که هجرت است، جهاد محسوب نمی‌شود، اما به‌وسیله جهاد تحقق می‌یابد؛ بنابراین انسان مؤمن می‌تواند در مکان خویش نیز جهاد کند (همان: ۷۵-۷۶).

او با یکی دانستن جهاد و امر به معروف، جهاد را ضامن حیات و سعادت بشریت معرفی می‌کند و در این زمینه می‌گوید: دنیایی که در آن جهاد وجود ندارد، نمی‌توان امنیت را در آن ضمانت کرد؛ زیرا جهاد مادی و معنوی، ضامن امنیت است و اگر کسی از امت جهاد را رها کند، آن امت دچار ذلت می‌شود و عذاب عمومی الهی را خواهد چشید (همان: ۱۳۱). در نقد سخن گولن باید گفت، اگرچه

^۱. mysticism

امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر به‌درستی در روایات اسلامی مایهٔ حیات جامعهٔ اسلامی معرفی شده، جهاد اصغر اخص از آن و به‌لحاظ معنای مصطلح دینی، به مبارزه برای دفاع از مقدسات، جان، مال و نوامیس مسلمانان تعبیر شده است (مطهری، ۱۳۸۸: ۲۴۱). در مجموع آنچه از محتوای کلام او در باب شیوهٔ جهاد در دورهٔ مدرن فهم می‌شود، به تبلیغ اسلام به‌عنوان دین انسانیت و از راه خدمت به خلق اشاره دارد و به همین سبب با مفهوم امربه‌معروف بدون در نظر گرفتن نهی‌ازمنکر تطابق بیشتری می‌یابد. او در انتها، برای جلوگیری از تأویل‌های خطا و گسترش تروریسم به نام اسلام، موضوع را این‌گونه شرح می‌دهد: «من به هیچ‌کس -هرکه باشد- نمی‌گویم که مسلح شوید و خیابان‌ها و کوچه‌ها را ببیماید و زیر سلطه بگیرید؛ من هرگز چنین حرفی نمی‌زنم و منظور من آن است که برای کسی که به خداوند ایمان دارد، ترس و نگرانی نارواست» (همان: ۱۶۲).

۴-۳. علل عقب‌ماندگی مسلمانان

از نظر گولن، بخشی از بحران هویت مسلمانان به‌دلیل جدایی مسلمانان از میراث تمدنی‌شان پدید آمده است (نوروزی، ۱۳۹۶: ۴۴). او در جایی می‌گوید: قرآن نظم‌دهنده و عامل صلح و امنیت در جامعه است و دوری از قرآن عامل تیره‌روزی امروز مسلمانان در جوامع اسلامی است (Gulen, 2005a: 5) و در جای دیگری علت را در ترک جهاد می‌داند: ما مسلمانان زمانی که جهاد را رها کردیم، در میان ما تفرقه‌ها پدید آمدند. این اختلافات و فرقه‌ها نتیجهٔ دانه‌های تلخ حنظل و زقومی جهنمی است که در سرزمین‌هایمان پخش شده است و تنها راه رهایی از آن‌ها نیز جهاد است (گولن، ۱۳۹۱: ۶۷).

به اعتقاد گولن، در زمانهٔ فعلی باید هم به فناوری‌های نوین مجهز بود و هم مؤمنانه و عابدانه زندگی کرد تا بتوان به اسم اسلام فعالیت و ایفای وظیفهٔ جهاد کرد و عزت اسلامی را بازیافت (همان: ۷۳)؛ بنابراین جهاد در دورهٔ مدرن، وابسته به پیشرفت‌های علمی روز همراه با عبودیت و بندگی است و بدون تغییر شکل آن در زمان کنونی نمی‌توان پیشرفت حاصل کرد.

او با یادآوری عاقبت گذشتگان در ترک جهاد، بر تبلیغ و ترویج اسلام تأکید می‌کند: «بر ارواح امویان و عباسیان و سلجوقیان و عثمانی‌ها سورهٔ فاتحه خوانده شد و ما اگر نمی‌خواهیم آناتولی آخرین سنگر اسلام در مقابل غرب نیز به مقبره‌ای تبدیل شود که در آن فاتحه می‌خوانند، باید که از حالت مردگان و وضع قبرستانی دور شویم. بدین معنا که حیات داشته باشیم؛ چنان حیاتی که شایستهٔ انسان است؛ چرا که ما به نسبت بزرگداشتمان برای اسلام بزرگ می‌شویم و در پیشگاه خداوند، به‌اندازهٔ عظمت اسم بزرگ الله در دل‌هایمان است که ارزش و جایگاه به‌دست می‌آوریم، اما اگر مسئله را کوچک بشماریم و از انجام وظیفهٔ خود در اجرای تبلیغ و دعوت غفلت کنیم و وظیفهٔ خود را رها کنیم، به همان اندازه در مقابل پروردگار، کوچک و ویران می‌شویم و از بین می‌رویم» (همان: ۹۶).

او در جایی دیگر و با بیانی متفاوت، علت عقب‌ماندگی مسلمانان را در عدم به‌روزرسانی با شرایط زمانه جست‌وجو می‌کند و معتقد است از زمان ظهور دین اسلام تا اواخر قرن نوزدهم، این دین با تعامل با شرایط تاریخی و فرهنگی هر دوره خود را مطابقت داده، اما از این زمان به بعد و با جهانی‌شدن مدرنیته، مسلمانان نتوانستند رقابت کنند و به همین خاطر عقب افتادند (ایباف، ۱۳۹۵: ۸۲)؛ بنابراین مشکل اصلی در عدم تطبیق مسلمانان با شرایط زمانه است و این همان دلیلی است که گولن را متقاعد می‌سازد باید میان اسلام و مدرنیته پلی ساخت و خود را به‌طوری که با هویت اسلامی‌مان در تناقض نباشد، با آن همراه و هماهنگ کرد.

او در زمینهٔ عدم به‌روزرسانی فرهنگ سیاسی دولت‌های ملی نوپدید در جوامع اسلامی می‌گوید: قرن بیستم، قرن مبارزات آزادی‌خواهانه در جوامع اسلامی بود. با وجود اینکه هدف مذکور نائل آمد، مدل‌های سیاسی دولت‌های ملی، اسلام را به‌صورت ایدئولوژیک و سنتی در نظر گرفتند و برخلاف ارزش‌ها و سنت‌های عموم مردم عمل کردند (Gulen, 2009 c: 239). آن‌ها به‌جای کار برای مردم، برای خوشبختی سلسله‌های خویش عمل کردند و موجب خشم عمومی تودهٔ فقیر و تحصیل‌نکرده علیه مسئولینشان

شدند. به این منوال، ترور که ریشه در فقر، جهل و غفلت دارد، به‌وجود آمد (همان: ۲۴۰). به این ترتیب طبق دیدگاه گولن، اسلام سیاسی موجب شد تا تروریسم در جهان اسلام زاده شود. براین اساس، حاکمیت اسلام سنتی و ایدئولوژیک و بی‌توجهی به خلق‌الله توسط حاکمان، مایهٔ پدیدآمدن سه معضل اصلی جهان اسلام شده است. او استدلالش را به این شکل شرح می‌دهد: ارزش‌هایی مثل حقوق بشر، توسعهٔ اقتصادی، گسترش دانش در سطح جامعه و حاکمیت قانون به‌درستی در جوامع جهان‌سومی و اسلامی درک و فهم نشده‌اند. اقدامات غیرقانونی مثل فساد، خودخواهی و فردگرایی اموری هنجار و نرمال می‌شوند و سازمان مافیایی قاتلان را استخدام می‌کنند و این فعالیت‌های تروریستی توسط این سازمان‌ها حمایت می‌شود. ممکن است دلیل اصلی و مهم‌تر در تروریسم، خلأ معنویت، دین و اخلاق باشد که منبع مشکلات عمدهٔ اجتماعی است و با خلأ آن زمینه برای رشد خشونت و خودکشی در جامعه فراهم آمده است. مسئلهٔ دیگر قابل توجه آن است که معیار ثابتی برای تروریسم توسط سازمان ملل تعریف نشده و به همین سبب هر شخص یا گروهی، دیگری را متهم به تروریسم می‌کند (همان: ۲۴۱).

گولن توجه به تمدن غرب را برای پیشرفت در حوزهٔ مادی ضروری تلقی می‌کند و بنابراین آموختن و به‌کارگیری فناوری و علوم طبیعی غرب را در جهت توسعه و ارتقای رفاه مادی مسلمانان به دور از اشکال می‌داند (نوروزی، ۱۳۹۶: ۴۴). با این حال، او از مسلمانان می‌خواهد همراه با بهره‌وری از فرهنگ مادی غرب، اصول معنوی و اخلاقی خود را فراموش نکنند.

از دید گولن، اگرچه دنیای اسلام مدت‌ها در سرکوب و استعمار دولت‌های غربی قرار گرفته، لازم است تا با دیدی نو، وجهی مثبت و به دور از خشونت از اسلام را به غرب نشان دهند. در اینجا او از شکل‌گیری نسلی طلایی از جوانان تحصیل‌کرده و مسئولیت‌پذیر حمایت می‌کند که با تحصیل در علوم طبیعی و اجتماعی و یادگیری چندین زبان و سفرهای فراوان به نقاط مختلف جهان به‌طور فعالانه در گفت‌وگوهای بین‌دینی مشارکت می‌کنند و به جهانی‌سازی اسلام کمک می‌کنند (ایباف، ۱۳۹۵: ۸۳). گولن خواهان آن است تا فرهنگ تساهل و مدارا از طریق همین گفت‌وگوهای بین‌دینی میان مسلمانان و سایر ادیان برقرار و چهره‌ای ملایم از اسلام به جهان معرفی شود که از این قابلیت برخوردار است تا مدرنیتهٔ غربی را با آغوش باز بپذیرد. فرهنگ تساهل و مدارای مدنظر گولن، مسلمانان را از غرب‌ستیزی به شیوه‌ای که تاکنون بوده نهی می‌کند.

از منظر گولن، آنچه مسلمانان اولیه را موفق کرد تا دین خود را در قلمرو وسیعی گسترش دهند، روح اسلامی بود که به آن‌ها شجاعتی خاص و بی‌نظیر و عدم ترس از مرگ می‌داد (Gulen, 2005b: 140)؛ بنابراین از نظر او، اصل اولیه در پیشرفت و تمدن بازگشت به اصل هویتی-دینی مسلمانان است و بدون آن، گسترش تمدن اسلامی ممکن نیست. این اصل اولیهٔ هویتی برای او اخلاق‌مداری و توجه به معنویت دینی است. گولن در راستای توجه به هویت دینی و تمدنی مسلمانان و احیای گذشتهٔ طلایی، وظایفی را برای اندیشمندان دینی برمی‌شمرد: وظیفهٔ اندیشمندان دینی، رسیدن به فهم درست از قوانین فیزیک تحت هدایت قرآن است؛ افقی که حقایق علمی با قواعد دینی متحد می‌شوند (Gulen, 2015: 71). به عبارت دیگر، بحران هویت مسلمانان از فراموشی کتاب آسمانی‌شان، قرآن و محوریت آن در زندگی‌هایشان و اصول علمی‌شان نشئت می‌گیرد.

از منظر گولن، مدارس مذهبی امروز به‌دلیل بی‌توجهی به مبانی دچار عقب‌ماندگی شده‌اند و تنها به تکرار گفتارها می‌پردازند. حتی بیتوته‌های صوفی نیز دین را بر مبنای تجربیات و احساسات شخصی‌شان تفسیر و روش اسلامی و فقهی را فراموش کردند. این امر سبب شد تا به تقلید غرب به جدایی علم و دین رأی دهند و بندگی معنوی و محققانهٔ اسلام از هم جدا شوند. در واقع، تکه‌پاره‌شدن دین به دو قسمت، هویت حقیقی‌اش را از آن گرفت و اثر آن امروز در بحران هویت جوامع اسلامی آشکار است (همان: ۲۲۹).

او ساخت جهان بهتر را فقط با پیوند علم و متافیزیک و اتحاد آن دو ممکن می‌داند؛ جهان بهتر تنها از منظر تفکر متافیزیکی به علم ممکن است؛ درحالی‌که مسلمانان یک مفهوم علمی را مشتق از قرآن و سنت‌های اسلامی توسعه ندادند. آن‌ها اگر خواهان پایان

حقارت و عقب‌ماندگی از غرب هستند، باید به موازات با غرب، نظریه‌های ماتریالیستی و پوزیتیویستی قدیمی را با افکار و الهامات خودشان جایگزین کنند. پیوند علم یا ساینس و متافیزیک به تأیید وجود به‌عنوان یک کل منجر می‌شود و بینش زیرمجموعه‌ای این کل، نتیجه‌گیری صحیح را به دنبال خواهد داشت (Gulen, 2009c: 150). بازبینی در شرایط فعلی جهان، گولن را به این نتیجه می‌رساند که جوامعی که مفهوم متافیزیک در فلسفه فکری و سیستمشان وجود ندارد، بحران هویت دارند (همان: ۱۵۱). او ذیل سازگار معرفی کردن آموزش علمی و آموزش اسلامی، مدارس سنتی و سکولار را به‌دلیل آموزش تک‌بعدی مورد انتقاد قرار می‌دهد. با وجود این، مخاطبانش را تشویق به تأسیس مدارس مدرن می‌کند (ایباف، ۱۳۹۵: ۸۶). نگرش او به تأسیس مدارس مدرن و حمایت از شیوه غیررسمی در آموزش دینی، تحت رویکرد او در سازگار کردن اسلام و مدرنیته قابل‌فهم و توجیه خواهد بود.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، قرائت گولن از اسلام را بررسی کردیم. نسخه ترکی اسلام از منظر او، با هویت ترکی پیوند دارد و ضمن تأکید بر اخلاق و معنویت، به تساهل و مدارای بین‌دینی توجه نشان می‌دهد. ویژگی دیگر آن، انسان‌گرایانه بودن آن است؛ خدمت به بشریت، راه رسیدن به کمال برای انسان‌ها است. اسلام با تأکید بر ایمان درون‌نگرانه به ریاضت، عزلت، قناعت و تصوف فردی توجه خاص نشان می‌دهد و با رد عزلت جمعی، بر توسعه منافع ایمان و عزلت فردی به اجتماع تأکید دارد؛ به‌گونه‌ای که موجب خدمت به انسانیت و شکل‌گیری گونه‌ای از نظم اجتماعی بر محور اخلاق‌مداری شخصی شود. درواقع گولن صوفیسم نوین را به‌منظور برقراری پیوند میان اسلام و ایدئولوژی لیبرالیستی مدرنیته بر مبنای رویکردی تأسیس می‌کند که میان متفکران غربی به اسلام میانه‌رو و میان متفکران مسلمان به اسلام رحمانی شهرت دارد و درواقع گونه‌ای از اسلام سکولار را ارائه می‌دهد.

اسلام رحمانی گولن پنج ویژگی دارد: اولاً آنکه نگاه‌گرینشی و حداقلی به اسلام دارد و اسلام را به مجموعه‌ای از قواعد اخلاقی و عبادی فردی به‌منظور دستیابی به معنویت فردی تقلیل می‌دهد. چنین نگرشی طبعاً با اسلام سیاسی و حکمرانی اسلامی در تعارض کامل است. دوم آنکه هرگاه امکان تطبیق ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی با ایدئولوژی لیبرالیستی فراهم نشد، به تحریف و قلب مفاهیم اسلامی دست می‌زند؛ برای مثال مفهوم جهاد را از ماهیت اصیل خود خارج می‌کند و مفسران مسلمان دیگر را متهم به خطاکاری در فهم معنای جهاد می‌کند. او برحسب این ویژگی و همچنین نگاه حداقلی و گرینشی به اسلام، اسلام سیاسی را طرد و آن را اسلام ایدئولوژیک معرفی می‌کند.

سوم آنکه معیار اخلاق در گفتمان گولن، اخلاق غربی مبتنی بر ارزش‌های عام و جهان‌شمولی است که به ارزش‌های سکولار نیز تعبیر می‌شوند. اخلاق در اسلام صوفیانه گولن امری فردی و درونی قلمداد می‌شود و چنین صفتی قابل‌تطبیق با فرهنگ اخلاق غربی خواهد بود. اخلاق غربی یا سکولار مبتنی بر عقل بشری و اخلاق اسلامی بر محور رویکرد عقلانی-و حیانی، دو نگاه متفاوت به انسان عرضه می‌کند؛ بنابراین در اینجا دو گونه متفاوت از انسان‌گرایی غربی و انسان‌گرایی دینی شکل می‌گیرد. چهارمین ویژگی اسلام رحمانی گولن، تساهل و مدارای او با سایر ادیان است؛ به‌طوری‌که با ویژگی پنجم آن مبتنی بر پذیرش پلورالیسم دینی و شکل‌گیری جامعه متکثر ارتباط منطقی دارد. گولن براساس رویکرد تساهل بین‌الادیانی از گفت‌وگوی میان مذاهب در سطح جامعه جهانی حمایت می‌کند. او ضمن مخالفت با شکل‌گیری حکومت اسلامی، معتقد است اداره جامعه باید براساس اصل دموکراسی و خواست و اراده عموم باشد و بنابراین، عقاید اسلامی نباید مانع خواسته‌ها و آزادی و اختیار دیگران شود. توجه به این مهم ضروری است که در پلورالیسم دینی برخلاف ادعای طرفداران آن نمی‌توان به بی‌طرفی ارزشی دست یافت، بلکه غلبه فرهنگی با ارزش‌های سکولار

خواهد بود. با توجه به ویژگی‌های مذکور، ایدئولوژی اسلام رحمانی گولن در هماهنگی و پیوند با ایدئولوژی لیبرالیستی مدرنیته قرار می‌گیرد؛ به طوری که کمترین تنش از این پیوند حاصل شود.

او با همین رویکرد و در فضایی رقابت‌آمیز، اسلام ترکی‌اش را در مقابل اسلام ایرانی قرار می‌دهد و آن را بر مبنای عشق به جهان معرفی می‌کند. گولن پس از تفسیر جهاد بر مبنای صوفیسم نوین، به علل عقب‌ماندگی مسلمانان و بحران هویت آن‌ها می‌پردازد و برای آن دلایلی چند می‌شمارد. عوامل مورد اشاره او نیز در چارچوب رویکرد او به اسلام رحمانی می‌تواند فهم شود. از منظر گولن، دلیل اصلی عقب‌ماندگی مسلمانان، در ترک جهاد به شیوه نوین است. او اسلام‌گرایی سنتی و ایدئولوژیک را متهم به افزایش فقر و ترور در جوامع اسلامی می‌داند. در ذیل همین بحث، گرچه به میراث تمدنی و هویت تاریخی و دینی مسلمانان تأکید دارد، نگرش او کاملاً گزینشی به میراث تمدنی است و با اشکال‌گرفتن به خلأ معنوی غرب، بر حفظ فرهنگ معنوی اسلامی در کنار فلسفه مادی غرب تأکید می‌کند. اسلام رحمانی او در نهایت می‌خواهد راهی برای مشارکت در دنیای مدرن بیابد و بنابراین از پیوستن به اتحادیه اروپا و شکل‌گیری هویت نوین اسلامی-ترکی-مدرن دم می‌زند.

جان کلام آنکه گولن در چارچوب اندیشه غربی به نقد مسائل جوامع اسلامی می‌پردازد. از این‌رو، او با تلقی اسلام‌گرایی سنتی به‌عنوان اسلامی ایدئولوژیک، از نسخه تحریف‌شده‌ای از اسلام حمایت می‌کند که پس از عبور از سطح فردی به سطح اجتماعی، از ماهیت اسلامی خود خارج می‌شود و در هماهنگی با ارزش‌های ایدئولوژی لیبرالیستی رنگ و بوی سکولار به خود می‌گیرد. گولن با هدف درمان‌ماندن از انتقادات لیبرال‌ها و سکولارها به اسلام، اصول لیبرالیستی و سکولار مدرنیته بر آموزه‌های اسلام تحمیل می‌کند. این امر، موجب قربانی‌شدن اصل اسلام و احکام اسلامی می‌شود. او بر این تصور است که استبداد حاکمان ریشه در اسلام سنتی دارد و باید به دنبال مقیدکردن آن بود. از این نکته بنیادین در نگاه او غفلت می‌شود که مسئله استبداد حاکمان، ریشه در بی‌توجهی به دوگانه حق حاکم و حق مردم دارد. این دو در اندیشه اسلامی تکمیل‌کننده یکدیگر هستند و در پی وظایفی تعیین شده از سوی قواعد الهی در متن اسلام راستین ملحوظ شده‌اند. نگاه گزینشی گولن به اسلام محدود نمی‌شود. او با نادیده‌گرفتن محدودیت‌های عملی مدرنیته در جوامع اسلامی، اسلام سکولار را درمانی برای تروریسم در جوامع اسلامی می‌داند. به همین خاطر، نقد تروریسم غربی در اندیشه گولن جایگاهی ندارد. به عبارت دیگر نمی‌تواند پیوند تروریسم و سکولاریسم غربی را دریابد. برخلاف تصور گولن، بحران معنویت در تمدن مادی غرب نمی‌تواند به پشتوانه خوانشی سکولار از اسلام و بر محور عشق، انسانیت و وجدان سکولار رفع شود، بلکه اگر بخواهیم از ادبیات صوفیانه برای تأسیس گفتمانی نو ایده بگیریم، توجه به این نکته ضروری می‌کند که تنها وجدان دینی می‌تواند به پشتوانه جهان‌بینی اسلامی در حل مسائل انسانی چاره‌ساز باشد.

درواقع، اندیشه گولن از تناقضی پنهان رنج می‌برد. او از تأسیس جامعه تکتگر در جوامع اسلامی حمایت می‌کند؛ به گونه‌ای که این تکتگر برای او ارزشمند به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، با رویکردی قوم‌مدارانه به تفکیک اسلام بر مبنای اقوام عرب، ترک و فارس می‌پردازد و ترکی‌بودن آن را پررنگ می‌کند؛ گویی که این ویژگی سرآمد است. گولن به جای فهم غلبه سکولاریسم و بی‌ریشگی آموزه‌های لیبرالیستی در جهان اسلام که به بحران هویت جوانان و مسلمانان منجر شده از ضرورت تساهل دینی و تکتگرایی به شیوه غربی در جوامع اسلامی سخن می‌گوید. اما آیا این دیدگاه با سیره و سنت پیامبر اسلام همخوان است؟ بر این اساس، گولن چگونه جنگ‌های داخلی امام علی (ع)، یعنی جمل، صفین و نهروان را تفسیر می‌کند؟

۶. منابع

- اختیاری میاب، مهدی و هاشمی، سید عباس (۱۳۹۷). علل و دلایل شکل‌گیری، تداوم و گسترش جنبش گولن. *دوفصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، ۶(۱۲)، ۱۶۳-۲۰۳.
- ارس، بولنت و کاهان، عمر (۱۳۸۱). جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌الله گولن. ترجمه سید اسدالله اطهری. *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ۳۲، ۵۹-۸۲.
- ایباف، رز هلن (۱۳۹۵). جنبش گولن؛ تحلیلی جامعه‌شناسانه از جنبشی مدنی که ریشه در اسلام میانه‌رو دارد. ترجمه فیروزه درشتی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- جاوید، محمدجواد (۱۳۹۱). روش تحقیق در علم حقوق به زبان ساده. تهران: مخاطب.
- حافظ، قادر، رودگر، محمد و محمدی، فرزاد (۱۳۹۸). تأثیر عرفان نورسی بر اسلام اجتماعی ترکیه با محوریت اندیشه‌های فتح‌الله گولن. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۱۰(۳)، ۱-۲۳.
- گولن، محمد فتح‌الله (۱۳۹۱). جهاد، روح و حقیقت آن در اسلام (طبق منابع اهل سنت). ترجمه صادق آیینه‌پور. سنندج: کردستان.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). بزرگ‌ترین فریضه. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). مجموعه آثار شهید مطهری (۲۰). تهران: صدرا.
- ملایی، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی عوامل عقب‌ماندگی مسلمین و راه‌های برون‌رفت از آن در آرای فتح‌الله گولن و علی شریعتی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اداری و اقتصادی. دانشگاه فردوسی مشهد. گروه علوم سیاسی.
- نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۶). الهیات اجتماعی و تمدن اسلامی (بررسی آرای محمد فتح‌الله گولن درباره تمدن اسلامی). *فصلنامه علمی-پژوهشی فلسفه و الهیات*، ۲۲(۴)، ۲۸-۵۹.
- Çelik, G. (2008). The Gülen movement: Building social cohesion through dialogue and education. *Dissertation submitted for the degree of doctor of philosophy at Tilburg University, the Netherlands*.
- Ergene, M. E. (2008). *Tradition witnessing the modern age; an analysis of the Gulen movement*. New Jersey: Tughra.
- Gulen, M. F. (2004). *Emeralds hills of the heart 2; key concepts in the practice of Sufism*. Translated by A. Unal. New Jersey: Tughra.
- Gulen, M. F. (2005a). *Questions and answers about Islam (Vol.2)*. Translated by M. Cetin. New Jersey: Light.
- Gulen, M. F. (2005b). *Pearls of wisdom*. Translated by A. Unal. New Jersey: Light.
- Gulen, M. F. (2006a). *Questions and answers about Islam (Vol. 1)*. Translated by Cetin, M. New Jersey: Light.
- Gulen, M. F. (2006b). *An analysis of the prophet's life: The messenger of God*. Muhammad. Translated by A. Unal. New Jersey: Light.
- Gulen, M. F. (2009 a). *Toward a global civilization of love and tolerance*. Translated by M. Unal, et al. New Jersey: Tughra.
- Gulen, M. F. (2009 b). *Essays, perspective, opinions*. Compiled by Tughra Books. New Jersey: Tughra.
- Gulen, M. F. (2009 c). *Emerald hills of the heart 3; key concepts in the practice of Sufism*. Translated by Unal, A. New Jersey: Tughra.
- Gulen, M. F. (2011). *Emeralds hills of the heart 1; key concepts in the practice of Sufism*. Translated by A. Unal. New Jersey: Tughra.

- Gulen, M. F. (2015). *Endeavor for Renewal; droplets of wisdom from the heart*. Translated by K. Altay. New Jersey: Tughra.
- Hendrick, J. D. (2013). *Gulen; The Ambiguous politics of market Islam in Turkey and the world*. New York and London: New York University Press.
- Hunt, R. A., & Aslandogan, Y. A. (2007). *Muslim citizens of the globalized world*. New Jersey: Light.
- Marty, M. E. (2015). *Hizmet means service; Perspective on an alternative path within Islam*. California: University of California press
- Sevindi, N. (2008). *Contemporary Islamic conversation; M. Fethullah Gulen on Turkey, Islam and the West*. Translated by A. T. Antepli. New York: Published by State University of New York Press.
- Yavuz, H. (2013). *Toward an Islamic enlightenment*. New York: Oxford University Press.

